



پنج شنبه 2 دی 1395 - 22 ربیع الاول 1437 - 22 دسامبر 2016

س از اولتیماتوم دولت روس مبنی بر اخراج مستشار اقتصادی بیگانه از ایران و نپذیرفتن مجلس...

تشکیک، "مجلس، عال"، با شکست مقامات مملکت، با هدف دس، اهلتیماتوم، هسه به امان، (1290 ش.)

پس از اولتیماتوم دولت روس مبنی بر اخراج مستشار اقتصادی بیگانه از ایران و نپذیرفتن مجلس، قوای روس به آذربایجان ایران یورش برده و دست به قتل عام و کشتار مردم زدند. در این میان و در حالی که روسیه تهدید به حمله به پایتخت نموده بود، در روز دوم دی ماه 1290 ش، یک مجلس عالی و فوق العاده مشتمل بر نمایندگان مجلس شورای ملی، وزراء، رجال، اعیان و اشراف و مقامات مملکتی در دربار تشکیل شد و جریانات اخیر را که بین دولت ایران و روسیه پیش آمده بود بررسی کردند. در این جلسه، وثوق الدوله وزیر خارجه، از رویه مجلس نسبت به ردّ اولتیماتوم روسیه سخت انتقاد کرد و خواهان نرمش در برابر تهدیدات روسیه گردید. پس از این سخنرانی تصمیم به انحلال مجلس گرفته شد ولی نمایندگان سعی کردند در برابر دیکتاتوری ناصرالملک، نایب السلطنه و لجام گسیختگی صمصام السلطنه نخست وزیر مقاومت کنند که کاری از پیش نبردند. در این میان با آن که دولت ایران، اولتیماتوم را پذیرفت و شوستر آمریکایی را از خزانه داری کل کشور معزول گرداند، باز، روس ها دست از شرارت و آدم کشی و قتل و غارت برنداشتند و پس از آن که تبریز را در اول دی ماه اشغال کردند، اقدام به اعدام ثقة الاسلام تبریزی از علمای بزرگ تبریز و دیگران نمودند و حکومت آذربایجان را به طور کلی در اختیار گرفتند. دولت هراسناک صمصام السلطنه، با پذیرش تهدیدات روسیه، هم راه را برای دخالت بیشتر روس ها باز گذاشت و هم اقتدار ملی را فدای مصالح گروهی نمود.

وقوع غزوه ی "بنی نضیر" و بیرون راندن یهودیان از مدینه (4 ق) پس از واقعه ی غزوه ی احد و شکست سپاه اسلام در برابر بت پرستان و مشرکان قریش، فرصتی برای یهودیان مقیم مدینه به دست آمد تا علیه پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان مدینه توطئه و دسیسه نمایند. از جمله این که آنان با ترفندهایی قصد کشتن پیامبر (ص) به داخل قلعه ی بنی نضیر را نموده تا در آن جا به وی آسیبی رسانند. مسلمانان جهت تادیب آنان و خفه کردن نطفه ی نفاق، به قلعه ی آنان هجوم آورده و پس از 6 روز محاصره، یهودیان بنی نضیر را وادار به تسلیم نمودند. آنان با پیامبر (ص) مصالحه نمودند که جلای وطن کرده و سرزمین و خانه های خود را در اختیار مسلمانان قرار دهند.

شهادت "شیخ خلیفه مازندرانی" رهبر نهضت سربداران خراسان توسط مغولان (736 ق) شیخ خلیفه مردی پاکیزه روزگار بود از اهالی مازندران که چندی را در نزد شیخ بالو زاهد آملی هم قریه خود که از اقطاب مازنداران بشمار می رفت، تلمذ و شاگردی کرد، اما چون آنچه را که به دنبالش بود در محضر ایشان نیافت، تصمیم گرفت تا به محضر شیوخ و عرفای دیگر بشتابد. در این ایام شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی جزو شیوخ بزرگ زمان خود بود. لذا شیخ به محضرش شتافت تا گمشده خود را در کنار او بیابد. لیکن آنچه را که می جست در محضر او نیز نیافت. چنانکه روزی شیخ علاء از وی پرسید: «به کدام مذهب از مذاهب اربعه معتقدی؟» و شیخ خلیفه جواب داد «ای شیخ آنچه من می طلبم از این مذهب ها بالاتر است.» و همین جواب کافی بود تا از محضر شیخ علاء الدوله سمنانی نیز خارج شود و به دامن شیخی دیگر از شیوخ زمان یعنی خواجه غیاث الدین هبه الله حموی در بحر آباد جوین بشتابد. لیکن در بحرآباد نیز به خواسته خود نرسید و لذا رخت سفر بر بست و در سبزوار اقامت گزید. سبزواری در این ایام مأمّن شیعیان اثنی عشری بود. سکنی گزیدن شیخ خلیفه در مسجد جامع سبزواری و تعالیم او در مسجد باعث گرد آوری افراد زیادی در اطراف او گشت که به تبع پیرو و مرید او شدند. بدین ترتیب آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچیده و صاحبان قدرت را به وحشت انداخت. بالاخره علمای درباری که دست در دست حکام داشتند فتوایی صادر کردند با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و حدیث دنیا می گوید و چون منعمش می کنند، منجز نمی شود و اصرار می نماید. این چنین کس واجب القتل است یا نه؟ و اکثر فقهای رسمی زمان فتوی دادند که «باشد». پس از مرگ شیخ خلیفه مازندرانی، یارانش به ویژه یکی از شاگردانش به نام شیخ حسن جوری دست از مبارزه علیه مغولان و عمال سرسپرده آنها برداشت و نهضت شیعی سربداران را بنیانگذاری کرد. شیخ خلیفه مازندرانی در واقع رهبر روحانی و معنوی نهضت سربداران محسوب می شد.

تولد "ژان هانری فابر" دانشمند معروف فرانسوی (1823 م) (رک: 9 مارس) ژان هانری فابر نخستین فرد یک خانواده روستایی بی نوایی بود که در 22 دسامبر سال 1823 در یکی از روستاهای (آویرون) در فرانسه به دنیا آمد. وقتی چهارساله شد پدر و مادرش از شدت فقر او را به خانه پدر بزرگش فرستادند. اما آنها نیز حوصله بچه داری نداشتند، لذا کودک بدون سرپرست بزرگ شد. اثر دوازده جلدی او بنام ارمغان های حشره شناسی هنوز در خور بهره گیری است. روش فابر، بر خلاف پیشینیان، میدانی (Field Method) بود، وی جانوران را در محل زندگی آنها مورد مطالعه قرار می داد. از این رو بجای شناخت یک نمود طبیعی به زیست گاه جاندار مراجعه می کرد. هفته ها و حتی ماه ها وقت صرف می کرد، در کشتزارها و بیشه زارها به سر می برد و به پژوهش و گزارش می پرداخت. معروف است که روزی ژاندارمری نسبت به رفتار او بد گمان شد و فکر کرد او یک خیانتکار فراری است، زیرا

مشاهده کرد روی زمین دراز کشیده است و دائماً از این طرف به آن طرف در حال خزیدن است، وقتی او را بازداشت کرد، معصومانه گفت حشره شناس است و در حال تحقیق و پژوهش می باشد، ژاندارم باور نکرد و می خواست او را به دادگاه بفرستد که فابر نشان لژیون دونور خود را به وی نشان داد و او را قانع ساخت و شاید این تنها موردی بود که فابر از نشان افتخارآمیز و شکوه مند خود بهره گرفت.

درگذشت خانم "جورج الیوت" نویسنده معروف انگلیسی (1880م) ماری آن ایوانس معروف به جورج الیوت، داستان سرای پرآوازه انگلیسی در 22 نوامبر 1819م در این کشور به دنیا آمد. وی در 16 سالگی مدرسه را رها کرد و به اداره خانه و املاک پدر پرداخت. او زبان های یونانی، لاتینی، آلمانی و ایتالیایی را فرا گرفت و به فرهنگ خویش وسعت بخشید. الیوت در جوانی بر اثر تزلزل مذهبی، از انجام فرایض دینی دست باز داشت و باورش را نسبت به مسیحیت از دست داد، با این حال، هرگز ریشه های عمیق اخلاقی در وجودش سستی نیافت. الیوت کار ادبی را با ترجمه کتاب زندگی مسیح (ع) در دهه 1840م آغاز کرد که در تیراژ زیادی به چاپ رسید. الیوت در برخی کارهای بعدی خود به این نکته تاکید می کرد که بشر به هنگام رنج بردن، تنها از راه های داشتن و بذل محبت و کمک به دیگران می تواند دردهای خود را تسکین بخشد. وی در داستان های خود، همدردی صمیمانه ای با مردم تیره روز ابراز می کند. زندگی، بحران های روحی و عذاب های وجدانی آنان را شرح می دهد و از راه واقع بینی و تحلیل دقیق خصوصیت های اخلاقی مردم شهرستان و طبقه هایی که با زبان و افکارشان از نزدیک آشناست در بیانی طنزآلود و پرجاذبه، به داستان نویسی در انگلستان غنای فراوان می بخشد. در واقع جورج الیوت را می توان راهگشای داستان نویسی جدید در انگلستان به شمار آورد. وی در نگارش داستان های خود، بیشتر از یک نویسنده، یک نقاد روشنگر و موشکاف بود و در زندگی خصوصی خود نیز، بیشتر از آنکه یک نویسنده به چشم بیاید، یک آموزگار بود. درباره آثار جورج الیوت، نقدهای فراوانی شده است و او را تنها کسی دانسته اند که مقامی پس از چارلز دیکنز، نویسنده شهیر هم وطنش پیدا کرده و نفوذی غیرقابل انکار بر نویسندگان پس از خود نهاده است. از جورج الیوت آثار متعددی برجای مانده که مطالعه ای در زندگی شهرستان در 4 جلد، رامله در 3 جلد، آسیای روی نهر در 3 جلد و آدام بید در 3 جلد از آن جمله اند. ماری آن ایوانس معروف به جورج الیوت، سرانجام در 22 دسامبر 1880م در 61 سالگی درگذشت.